حسن فرامرزی
گفت‌وگوی «جوان» با دکتر داریوش صفرنژاد، استاد دانشگاه و کارشناس ارشد روابط بین‌الملل در روز سوم جنگ تحمیلی ۱۲روزه وسط هیاهوی بدافند هوایی در دفتر روزنامه صورت گرفت. وقتی این گفت‌وگو انجام می‌شد ما هنوز نمی‌دانستیم که سرنوشت این جنگ چه خواهد شد، همچنان که امروز در آتش‌بسی شکننده نه دولت، نه نیروهای مسلح و نه رسانه‌ها به اظهارات مقامات اسرائیلی و امریکایی اعتمادی ندارند، با این حال آنچه در این گفت‌وگو مورد توجه قرار گرفته توجه به همه ابعاد جنگ پیچیده و ترکیبی است که امروز در متن آن قرار گرفته‌ایم و اگر می‌خواهیم کشتی ایران را به سلامت از میانه امواج سهمگین آن بیرون بیاوریم، ناگزیر بر هشیارانه به این ابعاد توجه کنیم.

عکس: محمدرضا صباحی / مهر

تصور می‌کنم رسیدن به یک راهبرد درست در برابر جنگی که اکنون میان ما و اسرائیل و به یک معنا میان ما و اردوگاه غرب درگرفته است، اول از همه مستلزم آن است که مختصات این جنگ و لایه‌های پیدا و پنهان آن را به درستی ببینیم. همین الان (یک‌شنبه ۲۵خرداد) که من با شما در تحریر به روزنامه و اتاق مصاحبه صحبت می‌کنم، صدای بدافند و شلیک به واضح‌ترین شکل ممکن شنیده می‌شود. خب این یک لایه‌ای از جنگ است که ما می‌بینیم یا می‌شنویم اما می‌خواهم ببینم صورت کلی‌تر این جنگ که ما را امروز درپرگرفته چیست؟

جنگ‌های امروزی در دنیا، جنگ‌های ترکیبی است؛ ترکیبی از راهبردها، صحنه‌ها و عرصه‌های نبرد. سازمان ناتو به عنوان خط مقدم مقابله با جبهه انقلاب اسلامی، پشتیبان اصلی رژیم‌صهیونیستی است(اعضای ناتو، امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان). شما دیدید در ۲۲تیر نبرد غزه هم ۲۶کشوری که رسماً اعلام کردند و در حمایت از رژیم‌صهیونیستی نیرو فرستادند، عمدتاً اعضای ناتو هستند. ناتو بدون اینکه رژیم‌صهیونیستی عضو آن باشد، خود را موظف به تشکیل می‌دهد. واضح است که در این نبردهای ترکیبی، چهار عرصه نبرد- زمین، دریا، هوا و فضا- سخت است و دو عرصه نرم، فضای سایبر و ذهن انسان، یعنی باز هنوز غلبه با آن عناصر جنگ سخت است اما گرایش و هجمه بیشتر در عرصه نرم صورت می‌گیرد. در عرصه جنگ نرم، رسانه، هوش مصنوعی و گروه‌های مرجع تأثیرگذار هستند، با این همه پایه همه اینها مردم است.

یعنی استخوان‌بندی این سه حوزه هم در نهایت به وفاق ختم می‌شود؟

بله، در دنیا به دیپلماسی مردم‌محور، دیپلماسی عمومی می‌گویند. الان در تمام وزارت خارجه‌های دنیا مجموعه‌هایی را تا رده معاونت تعریف کرده‌اند به نام دیپلماسی عمومی، حتی سخنگوهای وزارت خارجه‌ها را در دنیا در اکثر کشورها به این مرکز وصل کرده‌اند. ارتباط با افکار عمومی، با رسانه، با شبکه‌های اجتماعی و تمام ابزارهایی که می‌تواند در ارتباط با مردم باشد. حالا در این دیپلماسی عمومی از اجزای دیگر هم استفاده می‌کنند، مثل آموزش زبان، ارتباطات فرهنگی، گردشگری و توریسم؛ هر چیزی که بتواند حلقه وصل مردم باهم باشد. در واقع دیپلماسی عمومی دو پایه دارد. یک پایه بحث دیپلماسی عمومی است. در بعضی جاها مثل ترکیه مجموعه‌ای وجود دارد به نام رایزنی گردشگری. رایزنی فرهنگی سر جای خودش قرار دارد، رایزنی امور دینی سر جای خودش، یک رایزنی گردشگری هم دارند. بعضی جاها رایزنی جذب امور نخبگان علمی دارند. شما الان نگاه کنید. کشورهای غربی، همین رایزنی را در تهران مستقر کرده‌اند و عوامل و شبکه‌هایی در سیستم دانشگاهی ما دارند و مغز دانشجویان ما را شست‌وشو می‌دهند و بعضاً نخبگان را تور و در کشور خود به عنوان نخبه‌سیس استفاده می‌کنند. تکنیسین که می‌گویم یعنی شغل عالی به آن فرد نمی‌دهند و اجازه نمی‌دهند جلوتر برود، در حد یک کارراننده‌ار و تکنیسین از او استفاده می‌کنند، نه یک راهبر و مدیر. این چهار بخش که گفتم مجموعه اینها دیپلماسی عمومی می‌شود.

آیا با این سال‌ها متوجه قدرت دیپلماسی عمومی بوده و از ظرفیت‌های آن استفاده کرده‌ایم؟

در کشور ما ارگان‌هایی متولی دیپلماسی عمومی در صحنه بین‌الملل هستند، نظیر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند یا مجمع جهانی اهل بیت، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، مجمع بیداری اسلامی یا برخی دانشگاه‌های بین‌المللی مثل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در قزوین یا جامعه المصطفی العالمیه یا جامعه الزهرا یا جامعه الرسول که در حوزه دانشجویان، نخبه‌ها و طلاب فعالیت می‌کنند. ما معادل همین‌ها را در امریکا داریم. امریکا مجموعه‌ای دارد به نام Secretary State یا دبیر دولت. ما در ایران به دبیر دولت به اشتباه وزیر خارجه می‌گوییم. الان در امریکا جایگاه آقای روبیو در دولت، بعد از ترامپ است. روبیو دبیر دولت است. این دبیر دولت چند وظیفه دارد که یکی از آنها وزیر خارجه است. وظیفه دیگر او مدیریت دیپلماتهای دولت است، یک وظیفه دیگر هدایت نهادهای دیپلماسی عمومی به اضافه ابزارهای آن. موضوع این است که گاهی نخبه‌های ما حتی استادان دانشگاهی عضو و میدانی مطالعه نمی‌کنند، بنابراین ما سفارت‌خانه‌های دنیا رایزنی‌های فرهنگی دارند. امروز می‌گویند یک رابطه سیاسی، نظامی و حتی امنیتی خوب بین دو کشور زمانی دائمی و بادوام می‌شود که دو پیوست داشته باشد. اول، پیوست مردمی و فرهنگی و دوم، پیوست اقتصادی، وگرنه این رابطه به موبی بند خواهد بود. اگر آن پیوست‌ها نباشد، حاکم کشور الف با حاکم کشور ب هر کدام جابه‌جا شوند، کل توافق و ارتباط روی هواست، اما اگر ارتباطات مردمی برقرار شود، این طور نخواهد بود، بنابراین توصیه می‌کنند پیوست مردمی در تمام ارتباطات باید باشد و این پیوست مردمی همان دیپلماسی عمومی است. شاید قبل از ۲۰سال پیش کسی این کار را می‌کرد، می‌گفتند به سفیر فلان کشور چه ربطی دارد، آمده است بین مردم، این فرد شناختی جاسوسی است. برای چه با لباس شخصی از سفارت بیرون آمده است. خب سفیر وقتی می‌خواهد برود پیش مسئول رسمی یا کت و شلوار صحبت می‌رود اما بین مردم چنین اقتضائاتی وجود ندارد. دیدید اینها وقتی می‌روند کشورهای دیگر لباس بومی اتیکا را می‌پوشند و عکس می‌گرفتند؟ اصلاً سفرای خارجی رژیم در تهران مسلمان و شیعه که نیستند اما وقتی خرم حضرت معصومه(س) یا خرم امام رضا(ع) می‌روند با حجاب کامل اسلامی می‌روند، نه اینکه این فرد مسلمان شده است، نه! این کار جزو مأموریت‌های دیپلماتیک اوست.

> **پولدارها و صاحبان صنایع، سیاسیون عالیرتبه و مطرح، نظامیان عالیرتبه بازنشسته، سرآمدان انواع هنرها، سرآمدان سینما، سرآمدان ورزش، استادان دانشگاه، شعرا و نویسندها و معلمان و روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه‌ها و مجریان معروف تلویزیون. این هشت گروه، گروه‌های مرجع اجتماعی و بازیگران جنگ‌های جدید هستند، یعنی هم ابزار هستند و هم بازیگر. در این جنگ، ترکیبی از طیف نبرد نظامی وجود دارد که از نبرد سخت آغاز می‌شود تا نبرد نرم که جنگ روانی، سایبری، فضای مجازی و شناختی است**

و حس گرمی ایجاد می‌کند.

بله و آن فرد همین تصویر را عکسی پروفایل خود می‌کند. همه این افراد در شبکه‌های اجتماعی، مأموریت‌های خود را دارند مثل اینستاگرام و ایکس و امثالهم که برای خودشان به زبان‌های مختلف صفحه داشته باشند و تا می‌توانند فالوور جمع کنند. داشتن فالوور بالا برای سفرا در اکثر کشورهای دنیا یک امتیاز ارزشیابی شده است. گاهی افراد عوام می‌گویند مگر سفیر، بلاگر است؟ بله سفیر، بلاگر هم باید باشد. خب مأموریت رسانه آگاهی‌بخشی است و شما باید این آگاهی را به مخاطبان خود بدهید که در دنیای امروز از سفرا انتظار دارند بلاگر باشند. انتظار دارند حلقه وصل تجار باشند، حلقه وصل مردم باشند. یک زمانی بالاترین مأموریت‌های سفارت‌خانه‌ها دادن ویزا شده بود. الان کشورها به سمت لغو روادید می‌روند. در دوره شهید رئیسی عزیز در یک نقشه را دو ساله هیئت دولت تصویب کرد ما در سال اول ۴۰کشور و در سال دوم ۳۸کشور را به صورت یک‌طرفه لغو روادید کنیم، البته در سال اول اجرایی شد، در سال دوم به تعبیر دولت برخورد کرد و چند نمونه اجرایی شد، با این همه در دستور کار قرار دارد. حتی این طرح را کدام نهاد به دولت برده بود؟ وزارت میراث فرهنگی و گردشگری. حالا وزارت خارجه هم حمایت کرده بود. چرا؟ چون این کار در دنیا دارد به یک رویه تبدیل می‌شود. الان بسیاری از کشورهای غربی در تهران ویزا را در سفارت‌خانه نمی‌دهند، در مجتمعی شرکتی چند اتاق را اجاره کرده و شرکت‌ها ویزا می‌دهند. عامل‌بون‌سیاری است. چون می‌گویند من می‌خواهم دیپلماسی عمومی کنم و پایه دیپلماسی عمومی مردم هستند و نمی‌توانم مانع بگذارم و اجازه ندهم مردم به کشورم بیایند، پس باید اصلی دیپلماسی عمومی، مردم هستند و امروز این مهم هم مأموریت دولت هست. هم برون‌سپاری دولت‌ها و هم مأموریت غیردولتی‌هاست. در کنار دیپلماسی عمومی، بحث دیپلماسی اقتصادی، تجاری و بازرگانی هم مطرح است. با این حال این سه تخصص را یک واحد می‌بینند. دیپلماسی اقتصادی، وظیفه وزارت خارجه است که با تصویب و اجرای پروتکل‌ها جاده را باز و هموار می‌کند. دیپلماسی بازرگانی، وظیفه بخش‌های خصوصی است که بود و جاده‌ای که باز شده را بهینه کند و علائم و نشانه‌ها را بگذارد و به آن نظم بدهد. دیپلماسی تجاری هم وظیفه وزارتخانه‌ها و بانک‌های مرکزی است. شما ببینید سفیری که اجرا برای چین انتخاب شده، به نظرم انتخاب خیلی خوبی بود. بعضی‌ها مخالف بودند مخصوصاً دیپلمات‌ها در حالی که این پول اضافی آورد دیپلماسی عمومی است. سفیر باید کسی باشد که دیپلمات باشد، یعنی کسی را می‌خواهند ببرند با کشورهای دیگر دیپلماسی عمومی را شکل بدهد، کار فرهنگی و دینی بدهد، خوب چه کار اقتصادی و تجاری و بازرگانی بدانند و کار سیاسی بلد باشد و در حوزه‌های دفاعی، نظامی و علمی متبحر باشد، اما باز باید اصلی دیپلماسی عمومی است. خدا شهید امیرعبداللهیان را رحمت کند. دقیقاً از این منظر به انتخاب فرد رایج و مرسوم است. وقتی مصاحبه کنند، عکس خودش را در کنار مصاحبه نموده چاپ می‌کند می‌گویند خودش را می‌خواهد مطرح کند. اگر می‌خواهیم اتفاقی را رقم بزنیم باید نگاه‌مان را به رسانه ارتقا دهیم.

شما بسیند تمام شهدای شاخص ما در همین حملات اخیر استادان دانشگاه‌ها هستند، ۹ نفر از اینها به طور مشخص تخصص هسته‌ای داشتند. آقای سلامی عزیز، آقای باقری، آقای رشید، آقای حاجی‌زاده هیئت علمی بودند. دو نفر از معاونان آقای باقری که شهید شدند هر دو عضو هیئت علمی بودند. شغل این چهره‌ها تدریس، نوشتار و قلم بوده و بعد مسئولیت‌های دفاعی و نظامی.

نگاه کنید! امروز دشمنان ما! برای قدرتمندتر ما نمی‌خواهند. نمی‌خواهند. نگرانند که رمز زندگی می‌گویم. قدیمی‌ترین تمدن و دولت در ایران تشکیل شده است. این حقیقت در تمام کتاب‌های تاریخ دنیاست اما ما کمتر به آن می‌پردازیم. تمدن و فرهنگ ایرانی و سیاست و حکومت در ایران، قدیمی‌ترین در کره زمین است. از طرفی شاخص برتری ما علم است. ما دانشمندان بزرگی را در طول تاریخ تحویل بشریت داده‌ایم و امروز هم در ادامه همان راه می‌بینیم که از دوگاه غرب قرار گرفته‌ایم، به جای اینکه متجاوز را محکوم کنند، کشوری را محکوم می‌کردند که مورد تجاوز قرار گرفته است. اینکه یک مسئول این حرف را می‌گوید. در جای خود درست است اما اینکه ما این حرف را در قالب دیپلماسی عمومی و ارتباط با افکار عمومی طرح کنیم، متلاً در شبکه‌های اجتماعی تبدیل به ترند کنیم و دست به جریان‌سازی رسانه‌ای بزنیم، به نظرم هنوز در این باره در آغاز راه هستیم. دیدگاه شما در این باره چیست؟

کسانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند در دنیای امروز یکی از آن هشت گروه مرجع اجتماعی هستند. شما به درستی می‌گویید این موضوع در کشور ما قدری مغفول واقع شده است. رسانه باید جایی باشد که یک فعال رسانه‌ای و خبرنگار آنجا دغدغه مالی نداشته باشد. بنیاد رسانه یک کالای دست دوم و دست سوم باشد که شما جرءتا پول اضافی آورید کمکی به او کنید و صدقه‌ای دهید. رسانه‌ها در دنیا و فعالان رسانه‌ای جزء اولویت‌های جامعه هستند. در بسیاری از کشورهای دنیا حتماً عکس کسی که مصاحبه‌ای انجام می‌دهد یا مقاله‌ای می‌نویسد باید چاپ شود. این قدر مهم است چون می‌گویند این شخص، برند و برند است. اما باز باید اصلی دیپلماسی عمومی است. خدا شهید امیرعبداللهیان را رحمت کند. دقیقاً از این منظر به انتخاب فرد رایج و مرسوم است. وقتی مصاحبه کنند، عکس خودش را در کنار مصاحبه نموده چاپ می‌کند می‌گویند خودش را می‌خواهد مطرح کند. اگر می‌خواهیم اتفاقی را رقم بزنیم باید نگاه‌مان را به رسانه ارتقا دهیم.

شما ببینید تمام شهدای شاخص ما در همین حملات اخیر استادان دانشگاه‌ها هستند، ۹ نفر از اینها به طور مشخص تخصص هسته‌ای داشتند. آقای سلامی عزیز، آقای باقری، آقای رشید، آقای حاجی‌زاده هیئت علمی بودند. دو نفر از معاونان آقای باقری که شهید شدند هر دو عضو هیئت علمی بودند. شغل این چهره‌ها تدریس، نوشتار و قلم بوده و بعد مسئولیت‌های دفاعی و نظامی.

نگاه کنید! امروز دشمنان ما! برای قدرتمندتر ما نمی‌خواهند. نمی‌خواهند. نگرانند که رمز زندگی می‌گویم. قدیمی‌ترین تمدن و دولت در ایران تشکیل شده است. این حقیقت در تمام کتاب‌های تاریخ دنیاست اما ما کمتر به آن می‌پردازیم. تمدن و فرهنگ ایرانی و سیاست و حکومت در ایران، قدیمی‌ترین در کره زمین است. از طرفی شاخص برتری ما علم است. ما دانشمندان بزرگی را در طول تاریخ تحویل بشریت داده‌ایم و امروز هم در ادامه همان راه می‌بینیم که از دوگاه غرب قرار گرفته‌ایم، به جای اینکه متجاوز را تور می‌کنند چون آنها پیشرفت و رشد علمی ما را که خارج از ساختار و نظام سلطه جهانی بشد نمی‌خواهند.

نکته دیگر به دیگر در این باره، اعتقادات اصیل الهی است. این قدر انقلاب اسلامی در دنیا اعتقادات اصیل را خوب معرفی کرد که تمام دنیا حتی آنهایی که می‌خواهند در عمل با خدا مبارزه کنند دم از خداحمدوری و خداگرایی می‌زنند. الان در دنیا همه از خدا دم می‌زنند و خدایاوری، حتی نتانیاهو که جنایت می‌کند، اما جرمی‌ورد یک کتاب بزرگ زیرعنکلش می‌زند که تورات و ملحقات آن است. هر جا می‌رود این کتاب را مقابل دماغش می‌گیرد. شما به درستی می‌گویید این موضوع در کشور ما قدری مغفول واقع شده است. رسانه باید جایی باشد که یک فعال رسانه‌ای و خبرنگار آنجا دغدغه مالی نداشته باشد. بنیاد رسانه یک کالای دست دوم و دست سوم باشد که شما جرءتا پول اضافی آورید کمکی به او کنید و صدقه‌ای دهید. رسانه‌ها در

عکس: محمدرضا صباحی / مهر

گفت‌وگوی «جوان» با دکتر داریوش صفرنژاد، استاد دانشگاه و کارشناس ارشد روابط بین‌الملل:

سردار حاجی‌زاده می‌گفت حاضرم بخشی از پول موشک‌ها را به رسانه‌ها بدهم!

ما در میانه یک جنگ هیبریدی قرار گرفته‌ایم و دشمنان‌مان عرصه ششم جنگ را به روی ما باز کرده‌اند

> **من در چند دانشگاه در تهران در جریان چند جلسه علمی بودم که سردار شهید حاجی‌زاده آنجا ارائه علمی داشتند. یادم می‌آید روزی ایشان می‌گفتند من بارها به مسئولان گفته‌ام حاضرم داوطلبانه بخش قابل توجهی از هزینه‌ای که برای ساخت موشک به من می‌دهید به رسانه‌ها بدهم. من ندیده‌ام مسئولی در جمهوری اسلامی بیاید بگوید من حاضرم از بودجه خودم این کار را انجام دهم فقط شما اجازه این کار را بدهید**

رسمی بوده و خیلی از تهرانی‌ها در مسافرت و بیرون شهر بودند و ایام امتحانات دانشجوها هم بود. شما می‌رفتید می‌دیدید از هر تیپی هم در این مراسم شرکت کرده بودند. این به اقتدار ایران گواهی می‌دهد. این بهترین فرصت است که شما از این اقتدار یک سلسله گفتمان و ارزش بیرون بیاورید. دیگر این طور نشود که عده‌ای بخواهند ما را به عقب برگردانند که معلوم نیست حتی موشک هم داشته باشیم. مفهوم بحث من مشهود است. افرادی که حتی داشتن موشک ما را زیر سوال می‌بردند الان شوکه شده‌اند. چون این افراد به آنها رفرنس می‌دهند و نتانیاهو باورش نمی‌شد این طور از ایران و ملت پاسخ دریافت کند. حالا می‌گویند این موشک خیبرشکن تولید ۱۴ سال پیش ماست و ایران هنوز از موشک‌ها و تجهیزات مدرن‌تر و به‌روزتر خود رونمایی نکرده است.

نکته دیگری که در این چند روز آشکار شد جوان مژدوران این افراد است. در همین فضای جنگ، سردار رادان از دستگیری افرادی در خانه‌های تیمی خبر دادند که دست به عملیات‌های خرابکاری در داخل کشور می‌زدند. این حجم از ریزپرنده‌هایی که این روزها در آسمان نقاط مختلف به پرواز درآمدند عادی بود؟ چه کسانی اینها را فرودادند؟ چرا نظارتی در این زمینه صورت نگرفته است؟ می‌گویند کولبرها فرودادند. کجای دنیا روی پدیده قاچاق، این طور اسم می‌گذارند و به آن نوعی مشروعیت می‌دهند. حالا مادر دروه‌های قبل وزیر رفاه و تأمین اجتماعی داشتیم که می‌خواست این افراد را بیمه کند. الان معلوم شده که بهیاه‌ها و مهمات از کانال آنها وارد کشور می‌شود.

البته ممکن است کسانی بگویند در نقاط مرزی ما فرصت‌های پایدار شغلی وجود ندارد یا با کمبود این فرصت‌ها روبه‌رو هستیم اما موضوع این است که شما نمی‌توانی این موضوع را حل کنی اگر به آن مشروعیت ندهی!

بله دقیقاً همین است. می‌گویند مد در فلان استان، ۶هزار کولبر دارم. اگر شما بتوانی مدیریت کنی و حتی ۶هزار حقوق ایجاد کنی، این بیکاری به این افراد بدهی خسارتی که این افراد به کشور می‌زنند خیلی کمتر خواهد بود. شما باید کلی نیرو استخدام کنید تا از پدیده قاچاق ممانعت کنید، از انواع و اقسام قاچاق‌ها از مواد مخدر بگیرید تا سلاح و مهمات و بمب و بهباد و زیرپهنه و چیزهای دیگر.

اگر بخواهیم در دنیای پیچیده امروز که در واقع سلاح‌ها هبریدی یا ترکیبی است توفیقی به دست بیاوریم باید حواس‌مان به همه میدان‌ها باشد و صرفاً فکر نکنیم که چون امروز این موشک‌ها رده شدند پس کار تمام شده است.

من در چند دانشگاه در تهران در جریان چند جلسه علمی بودم که سردار شهید حاجی‌زاده آنجا ارائه علمی داشتند. یادم می‌آید روزی ایشان می‌گفتند من بارها به مسئولان گفته‌ام حاضرم داوطلبانه بخش قابل توجهی از هزینه‌ای که برای ساخت موشک به من می‌دهید به رسانه‌ها بدهم. من ندیده‌ام مسئولی در جمهوری اسلامی بیاید بگوید من حاضرم از بودجه خودم، این کار را انجام دهم فقط شما اجازه این کار را بدهید. حتماً هم تضمین می‌کنند این افراد از تابعیت امریکا هستند. من سال‌ها از شهروند امریکاست. ما چه اصرار داریم بگوییم محسن سازگارا دفتر تحکیمی بوده در حالی که خودش بلافاصله با خبارت خودش سلب تابعیت از ایران کرده است.

نتازه این را کسی می‌گوید که کارها و همان موشک‌ها را می‌سازد!

بله، ۱۶ سال صفر تا صد این موشک‌ها با او بوده، بعد از شهید طهرانی مقدم که به اصطلاح شروع کننده بود دومین فرد موشکی ما شهید حاجی‌زاده بودند و افتخار ایشان هم در همین حوزه بود. خدایش رحمت کند که عاقبت بخیر شد. چون بعد از مدتی این سردران بازنشسته می‌شدند و باید در رختخواب از دنیا می‌رفتند. حیف بود برای این آدم‌ها. شما باید به رسانه بدهم کار این شهدا را ببینید و عزیزانی که در این چند روز شهید شدند، همه بین ۶۰ تا ۶۵ سال هستند. انگار که حکمتی در این موضوع است. شهدای شاخص مقاومت ما بیشتر بین ۶۰ تا ۶۵ سال بوده‌اند. آقای هنیه، آقای سنوار، آقای سیدحسن نصرالله، آقای شیخ صفی‌الدین و حاج قاسم عزیز. همه این شهدا در همین حدود سنی بودند. بعد شما می‌بینید پیامبر عزیز ما، امام علی و امام صادق (ع) همه این معصومین در این سن از این دار فانی عبور می‌کنند. همه اینها نشانه است.

اجازه دهید این موضوع را همین جا بگویم که آقای حاجی‌زاده خدایامرز خیلی روی دیپلماسی عمومی و رسانه تکیه و تأکید داشتند و می‌گفتند تک‌تک اینها نقطه زن هستند چون ایشان نقطه‌زنی می‌کرد این را در کی می‌کرد. شما جای دیگر وقتی می‌گویید روزنامه و رسانه اغلب متوجه عمق موضوع نیستند فکر می‌کنند مثلاً جایی است که طرف در آن آگهی می‌دهد و کلایی را تبلیغ می‌کند، من توصیه می‌کنم سرمایه‌گذاری و توجه‌تان را بر شبکه‌های اجتماعی بیشتر کنید. دوم اینکه زبان‌هایتان را متنوع کنید. بچه حزب‌اللهی‌ها شکسته نفس هستند اما باید جلو بیایند و چهره شوند. گاهی افرادی با حداقل سواد کارهایی می‌کنند که چند میلیون فالوور جذب می‌کنند.

فرید ذکریا را در سی‌ان ان می‌بینیم یا کریستین امان پور که تبدیل به فرفرس شده‌اند یعنی صرفاً برتری نظامی مورد توجه‌شان نیست.

خب فعالان رسانه‌ای ما از این چهره‌ها چه چیزی کمتر دارند.

سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد؟

فقط هم سرمایه‌گذاری نیست. شما فرض کنید الان به دانشگاه تهران در یک جلسه دفاعیه دکترا یا پسادکترا می‌روید. وقتی من رفرنس می‌دهم استاد راهنما می‌گوید رفرنس توجه کسی است؟ می‌گویم جیمز یا آدامز یا اسمیت. اما کافی است بگویم رفرنس من حسن یا محمد است، بلافاصله می‌گویند این علمی نیست.

یعنی پس زمینه‌های ذهنی که اجازه نمی‌دهد ما در نبرد رسانه‌ای به مراجع درونی خود رجوع کنیم چون چیزی در ذهن ما رسوب کرده که رسانه داخلی یا رسانه بی‌داخلی، وزن و اختیار و مرجعیتی ندارد.

شما وقتی می‌خواهید از پایان نامه‌ای در دانشگاه تهران دفاع کنید و رفرنس شما یک ایرانی است به پایان نامه شما به دید پایان نامه‌ای دست دوم نگاه می‌کنند. وقتی رفرنس شما جیمز، آدامز و اسمیت می‌شود به چشم دیگری به شما نگاه می‌شود. مجموع اینها همین می‌شود که انفاق افتاده است. وقتی اینها حل نشود هر چقدر هم هزینه کنید صحنه همان است.

این باز مصداقی دیگر از جنگ شناختی است.

بله، ما الان وسط نبرد ترکیبی رژیم صهیونیستی و امریکا هستیم. من امروز به شبکه اینترنشنال رسانه نمی‌گویم، اینترنشنال یک پادگان تروریستی است. اینها ساخت بمب و انجام عملیات تروریستی و خیلی چیزهای دیگر آموزش می‌دهند. امروز اینترنشنال، صدای امریکا، بی‌بی‌سی و من و تو و امثال آنها شبکه‌های تروریستی‌اند. اینها بازوهای اجرایی کسانی هستند که دشمنان علنی و قسم خورده رهبروری ما هستند. از طرفی گروهک‌های متعددی داریم. ۴۷ سال است هر کس در ایران آمد کشته و ترور کرده و سر ببرند و کلاهبرداری کرده در اروپای غربی، کانادا و امریکا جای گرفته است. این تروریست رفته آنجا و چون زبان فارسی بلد است می‌گوید من ایرانی هستم. چه کسی گفته هر کس فارسی حرف زد ایرانی است؟ الان من انگلیسی بلدم صحبت کنم این یعنی من انگلیسی یا امریکایی‌ام؟ نکته دوم این است که همواره نداشته‌ها را چه کسی باید ببیند.

> **رسانه یکسری بحث‌های کلان دارد و یکسری بحث‌های مربوط به اجرا، عمل و میدان. شما این موضوع را در دو سطح ببینید. یکی خود رسانه است که الحمدلله داریم. یعنی آن سخت‌افزار و پوسته را داریم. با این حال در حوزه عمل و میدان ضعف داریم و در این چند سال شهید شدند. شما وقتی کلان دارد و یکسری بحث‌های مربوط به اجرا، عمل و میدان. شما این موضوع را در دو سطح ببینید. یکی خود رسانه است که الحمدلله داریم. یعنی آن سخت‌افزار و پوسته را داریم. با این حال در حوزه عمل و میدان ضعف داریم و علت این ضعف هم در این است که هنوز رسانه‌های ما ورژن ۱۴۰۴ نیستند. شما وقتی سینمایی ۹۰ دقیقه‌ای می‌سازی باید بتوانی دو کلیپ دو، سه دقیقه‌ای از این فیلم استخراج و عرضه کنی**

دنیا هم‌ری کرد و به خاطر همین سردمداران غرب بسیج شدند و گروه‌های فیک را که اندانخیت برای اینکه اسلام را تحت‌الشعاع قرار دهند. خب همه‌ی برای حتی خوب، فیک را می‌اندازند.

یعنی همین گروه‌های شبه اسلامی؟

بله، القاعده، طالبان، بوکوحرام، داعش و تحریرالشام. اینها فیک‌های ما اسلامی ا ند. همین برنامه‌ها درباره سایر ادیان الهی هم در دنیا دارم برای اینکه خدامحوری به حاشیه برود و نداریست جلوه کند. هم در پهدیت و هم در مسیحیت و سایر ادیان الهی. امروز نظام سلطه تمام تلاش خود را کرده که از رژیم صهیونیستی پشتیبانی کند. کل جهان سلطه که ما به آن ناتو و غرب می‌گوییم پشت اسرائیل است. الان اسرائیل ۲۲ ماه است که در غزه جنایت می‌کند. این کتاب را مقابل دماغ‌شان می‌گیرد و به پشتوانه چه کسی؟ به پشتوانه نظام سلطه غرب، به پشتوانه ناتو. البته که پوسته و لایه روی، رژیم صهیونیستی است که

جین شارپ وژرف نای بعد از نقش‌آفرینی امام به این فکر افتادند و مقوله‌ای به نام «مردم به مثابه قدرت» را در تئوری‌های روابط بین‌الملل وحتی حوزه سیاست- سیاست داخلی و سیاست خارجی- شکل دادند. الان ترکیب قدرت سخت را در کنار قدرت نرم قرار داده و گفته‌اند قدرت هوشمند. ترکیب جنگ سخت را در کنار جنگ نرم قرار داده و گفته‌اند جنگ ترکیبی یا هیبریدی. الان هر کدام از این مفاهیم، هم در حوزه‌های استراتژیک و راهبردی دارای تئوری است و هم صحنه‌های بین‌الملل و منطقه‌ای و حتی داخل کشورها